



اتاق بازرگانی
صنایع، معادن و کشاورزی
اصفهان
ISFAHAN CHAMBER OF COMMERCE
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

پشت صحنه رقابت‌های پتروشیمی در بورس کالا ؛ نقش ارز، عرضه و انحصار

گزارش تحلیلی و مقایسه‌ای روند معاملات، شکاف‌های
ارزی و پویایی‌های زنجیره ارزش تکمیلی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان پژوهش: پشت صحنه رقابت‌های پتروشیمی در بورس کالا؛ نقش ارز، عرضه و انحصار

مرکز پژوهش و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی اصفهان

تهیه کننده: مرتضی درخشان، مسیح محجوب، زینب جمشیدی، محمدرضا واعظ دلیلی.

تاریخ انتشار: تیرماه ۱۴۰۵

واژگان کلیدی: بورس کالا، انحصار فروش، پتروشیمی، رقابت.

خلاصه مدیریتی:

این گزارش با هدف بررسی سازوکار عرضه و قیمت گذاری محصولات پتروشیمی در بورس کالای ایران، تحلیل معاملات واقعی بازار در دو مقطع متفاوت ارزی سال ۱۴۰۴، بررسی داده های عرضه و تقاضا و مطالعه موردی برخی بازارهای انحصاری تهیه شده است. یافته ها نشان می دهد که پاسخ به مسائل مطرح شده درباره انحصار، رقابت قیمتی و تخلفات احتمالی، یکسان و تک علتی نیست و باید میان بازارهای رقابتی و بازارهای انحصاری یا شبه انحصاری تفکیک قائل شد.

نخست، شواهد نشان می دهد که در بخش عمده بازار پتروشیمی بورس کالا، انحصار عرضه به معنای ساختاری و فراگیر وجود ندارد و رقابت قیمتی لزوماً ناشی از رفتار عرضه کنندگان نیست. در دوره هایی که شکاف قابل توجهی میان نرخ ارز مبنای بورس و نرخ ارز بازار آزاد ایجاد شده، بخش عمده افزایش قیمت ها ناشی از شکل گیری تقاضای آربیتراژی و ورود انگیزه های سفته بازانه به بازار بوده است. با این حال، در برخی محصولات خاص با تعداد محدود عرضه کننده یا ساختار انحصاری، نشانه هایی از محدودیت فیزیکی عرضه مشاهده می شود که می تواند به رقابت های غیرمتعارف منجر شود.

دوم، شدت رقابت و فاصله قیمت ها با قیمت جهانی به شدت تابع شرایط ارزی بوده است. در هفته پراشتاب مهر ۱۴۰۴، میانگین قیمت نهایی معاملات حدود ۲۰ درصد بالاتر از قیمت جهانی بر مبنای نرخ ارز رسمی قرار گرفت و بخش قابل توجهی از معاملات با رقابت های شدید انجام شد؛ به گونه ای که حدود نیمی از معاملات بیش از ۱۰ درصد و بخشی از آن ها بیش از ۳۰ تا ۵۰ درصد بالاتر از قیمت جهانی معامله شدند. اما در هفته دی ماه و همزمان با کاهش شکاف ارزی، حدود ۷۹ درصد معاملات در محدوده نزدیک به قیمت جهانی قرار گرفتند و میانه رقابت به صفر درصد کاهش یافت. این تغییر نشان می دهد که بخش عمده رقابت های شدید، پدیده ای عمومی و پایدار در بازار نبوده است.

سوم، ریشه اصلی رقابت های شدید و فاصله گرفتن قیمت ها از قیمت جهانی، نه کمبود عمومی عرضه بلکه ترکیبی از شکاف ارزی، انگیزه های آربیتراژ، محدودیت واردات، ساختار تأمین نقدینگی صنایع تکمیلی و در برخی بازارها محدودیت واقعی عرضه بوده است. اختلاف میان نرخ ارز رسمی و آزاد باعث شده کالاهای پتروشیمی عملاً به دارایی ارزی تبدیل شوند و قیمت نهایی و انتظارات با نرخ ارز بازار آزاد تعدیل شده و تقاضایی فراتر از نیاز واقعی تولید شکل بگیرد. در کنار آن، محدودیت ابزارهای اعتباری، سازوکار سهمیه بندی و نبود امکان جایگزینی وارداتی، فشار رقابتی را تشدید کرده است.

چهارم، داده های گزارش شواهدی از تخلف یا مدیریت بازار به صورت فراگیر و نظام مند توسط کل عرضه کنندگان پتروشیمی ارائه نمی کند، اما در برخی بازارهای انحصاری و شبه انحصاری نشانه هایی از رفتارهای محدودکننده عرضه قابل مشاهده است. مطالعه موردی زایلین مخلوط نشان می دهد با وجود ظرفیت تولید کافی در سطح کشور، تنها بخشی از تولید در بورس کالا عرضه شده و بخش قابل توجهی به صادرات یا فروش

خارج از بورس اختصاص یافته است؛ موضوعی که می‌تواند موجب ایجاد کمبود مصنوعی در تالار معاملات و تشدید رقابت شود. همچنین در بازار برخی محصولات انحصاری مانند اتانول آمین‌ها، شواهد حاکی از آن است که محدودیت عرضه فیزیکی نقش مهمی در جهش قیمتی داشته است. بنابراین، یافته‌ها بر ضرورت تفکیک سیاست‌های ارزی از سیاست‌های تنظیم‌گری بازار و تقویت نظارت بر کف عرضه و شفافیت مسیرهای فروش تأکید می‌کند.

پنجم، نتایج مصاحبه‌ها و شواهد پژوهش نشان می‌دهد می‌بایست در جهت افزایش پیش‌بینی پذیری صنایع پایین دستی مکانیسم‌ها، تغییرات و فرایند زمانی عرضه و سهمیه بندی‌های و میزان اجازه خرید برای سمت تقاضا از قبل به شکل پیش‌بینی پذیر اعمال شده و تنظیم‌گری مواردی مانند میزان عرضه خارج از بورس کالا، دور زدن فروش در بورس کالا، محدودیت‌های فراتر از بهین یاب در روز خرید برای سمت تقاضا توسط بورس کالا اصلاح شود، این اصلاحات خود می‌تواند بخش زیادی از چالش‌های صنایع پایین دستی را حل کرده و به حل مشکل پیش‌بینی پذیری تولید در پایین دست کمک قابل توجهی بکند.

۱- مقدمه و تبیین چارچوب ساختاری زنجیره ارزش پتروشیمی

زنجیره ارزش صنایع پتروشیمی در اقتصاد ایران به عنوان یکی از پیشران‌های اصلی توسعه صنعتی، اشتغال‌زایی و ارزآوری همواره در کانون توجه سیاست‌گذاران اقتصادی قرار داشته است. با این حال، تعاملات ساختاری میان صنایع بالادستی پتروشیمی و صنایع پایین‌دستی و تکمیلی در سال‌های اخیر با چالش‌ها و مناقشات متعددی پیرامون نحوه کشف قیمت و مکانیزم‌های عرضه در بورس کالای ایران همراه بوده است. از یک سو، نمایندگان صنایع تکمیلی معتقدند که ساختار فعلی عرضه و قیمت‌گذاری نه تنها به پایداری تولید کمک نمی‌کند، بلکه با تحمیل هزینه‌های نوسانی و رقابت‌های غیرمعارف، توان رقابت‌پذیری محصولات نهایی را در بازارهای داخلی و منطقه‌ای تضعیف می‌سازد. از سوی دیگر، بخش بالادستی و متولیان بورس کالا بر این باورند که این بستر، مکانیزمی شفاف و مبتنی بر قواعد عرضه و تقاضا برای کشف قیمت‌های واقعی است و نارسایی‌های مشهود در بازار را باید در متغیرهای کلان اقتصادی نظیر انتظارات تورمی، محدودیت‌های ساختاری واردات و ناترازی‌های کلان جستجو کرد.

بررسی دقیق این زنجیره نشان‌دهنده یک عدم تقارن ساختاری در فرآیندهای مالی و نهادهای تولید است. بخش بالادستی پتروشیمی تمایل دارد از مزیت نرخ‌های ترجیحی یا فرمول‌های ثابتی در تأمین خوراک و سوخت مصرفی خود بهره‌مند شود که این نرخ‌ها معمولاً بر مبنای ارزش‌های رسمی یا قیمت‌های مبنایی تنظیم می‌شوند. اما در نقطه مقابل، محصولات نهایی این مجتمع‌ها در بورس کالا عرضه می‌گردد که قیمت پایه‌اش

بر اساس قیمت‌های جهانی و نرخ ارز رسمی اعلامی تعیین شده و فرآیند رقابت در بستر بورس، قیمت نهایی را به شدت تحت تأثیر پویایی‌های بازار آزاد و نقدینگی موجود قرار می‌دهد. این دوقطبی رفتاری میان «نهادهای ثابت/ترجیحی» و «محصولات رقابتی/آزاد»، بستر سازگاری را برای تحلیل‌های اقتصادی فراهم می‌آورد تا مشخص شود تغییرات قیمتی تا چه حد ناشی از ناترازی فیزیکی عرضه و تقاضا و تا چه میزان متأثر از مشوق‌های مالی ناشی از چندنرخ بودن اقتصاد کلان است. هدف این گزارش کار، ارزیابی توصیفی و همه‌جانبه این پدیده با تکیه بر داده‌های تجربی معاملات بورس کالا در دو مقطع زمانی متفاوت و تلفیق آن با رویکردها و دغدغه‌های کارشناسی مطرح‌شده در بدنه زنجیره تولید است.

۲- ارزیابی تجربی معاملات بورس کالا در شرایط ثبات و نوسان نرخ ارز

برای درک رفتار واقعی بازار، تحلیل کمی داده‌های معاملاتی بورس کالا در دو هفته شاخص از سال ۱۴۰۴ که تفاوت‌های ساختاری عمیقی در متغیرهای کلان ارزی داشته‌اند، صورت گرفته است. مقطع نخست، هفته منتهی به ۷ مهرماه ۱۴۰۴ است که به عنوان دوره تلاطم ارزی و شکاف عمیق بین نرخ ارز اعلامی بورس و نرخ بازار آزاد شناخته می‌شود و مقطع دوم، هفته منتهی به ۲۱ دی‌ماه ۱۴۰۴ است که مشخصه اصلی آن کاهش این شکاف ارزی و برقراری ثبات نسبی در بازارهاست.

در هفته اول (۷ مهر ۱۴۰۴)، نرخ ارز اعلامی کارگروه برای تعیین قیمت پایه برابر با ۶۹۸,۷۵۹ ریال بود، در حالی که نرخ دلار در بازار آزاد در همان مقطع به حدود ۱,۱۱۷,۰۰۰ ریال رسید که نشان‌دهنده یک شکاف نزدیک به ۶۰ درصدی میان دو نرخ ارز است. آمار معاملات در این هفته انحراف بسیار شدیدی را نسبت به معیارهای بین‌المللی نشان می‌دهد:

میانگین انحراف قیمت نهایی از قیمت جهانی ریالی (با ارز اعلامی): ۱۹.۸۴۲۴+ درصد.

میان انحراف قیمت از قیمت جهانی: ۱۳.۲۹۸+ درصد.

انحراف معیار اختلاف قیمت‌ها: ۲۸.۰۱۱۳ واحد.

توزیع فراوانی معاملات در این هفته نشان می‌دهد که از میان کل معاملات، تنها ۲ معامله کمتر از ۱۰ درصد زیر قیمت جهانی انجام شده و ۵۳ معامله در محدوده بین ۱۰ درصد پایین‌تر تا قیمت جهانی قرار داشته‌اند. در مقابل، اکثریت قاطع معاملات در سطوح بالاتر از قیمت جهانی ثبت شده‌اند: ۳۴ معامله بین ۰ تا ۱۰ درصد بالاتر، ۳۲ معامله بین ۱۰ تا ۲۰ درصد بالاتر، ۱۱ معامله بین ۲۰ تا ۳۰ درصد بالاتر، ۳۲ معامله بین ۳۰ تا ۴۰ درصد بالاتر، ۲۹ معامله بین ۴۰ تا ۵۰ درصد بالاتر و ۱۶ معامله با انحرافی بیش از ۵۰ درصد بالاتر از قیمت‌های جهانی به ثبت رسیده‌اند. سقف این انحرافات متعلق به محصولات پتروشیمی شازند بوده است؛

به طوری که تری اتانول آمین با ۱۴۵ درصد و ۱۱۵ درصد و دی اتانول آمین با ۱۱۷ درصد بالاتر از قیمت جهانی ریالی معامله شدند. وضعیت رقابت قیمتی نیز در این هفته بسیار داغ بوده است؛ میانگین رقابت روی قیمت پایه ۱۶.۸۹۳ درصد، میانه رقابت ۴.۷۱۶۷ درصد و انحراف معیار آن ۲۴.۲۳۴ واحد بوده است. توزیع فراوانی رقابت نشان می دهد که ۱۹۳ معامله بین ۰ تا ۱۰ درصد، ۲۸ معامله بین ۱۰ تا ۲۰ درصد، ۲۳ معامله بین ۲۰ تا ۳۰ درصد، ۳۴ معامله بین ۳۰ تا ۴۰ درصد، ۳۹ معامله بین ۴۰ تا ۵۰ درصد و ۲۴ معامله با رقابتی بیش از ۵۰ درصد انجام شده اند.

در نقطه مقابل، بررسی هفته دوم (۲۱ تا ۲۸ دی ماه ۱۴۰۴) نشان دهنده رفتار کاملاً متفاوتی در بازار است. در این هفته نرخ ارز اعلامی بورس به ۱,۱۹۲,۶۲۴.۴ ریال افزایش یافته و نرخ بازار آزاد حدود ۱,۴۵۰,۰۰۰ ریال بوده که نشان دهنده کاهش چشمگیر شکاف ارزی به حدود ۲۱ درصد است. در این سناریو، بر مبنای محاسبات قیمت با ارز اعلامی بورس:

میانگین اختلاف قیمت نهایی با قیمت جهانی: منفی ۰.۳۸ درصد. (پس از حذف سه داده پرت شامل دی اتیلن گلیکول شازند، مونواتیلن گلیکول مارون و اسید نیتریک شیراز، این میانگین به منفی ۱.۴۵ درصد می رسد)

میانه اختلاف قیمت با نرخ جهانی: منفی ۴.۹۵ درصد.

انحراف معیار اختلاف قیمت ها (پس از حذف داده های استثنایی): ۱۰.۱۸ درصد.

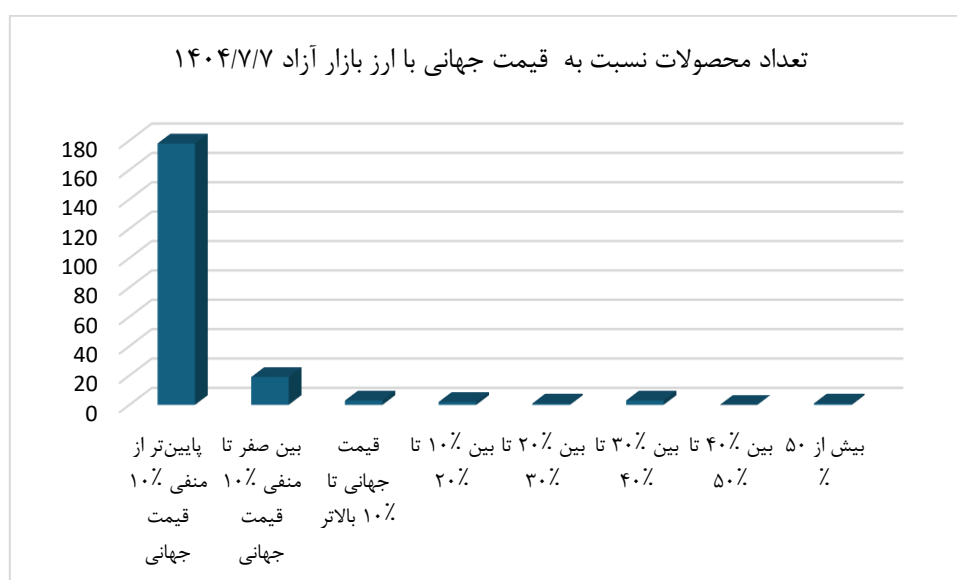
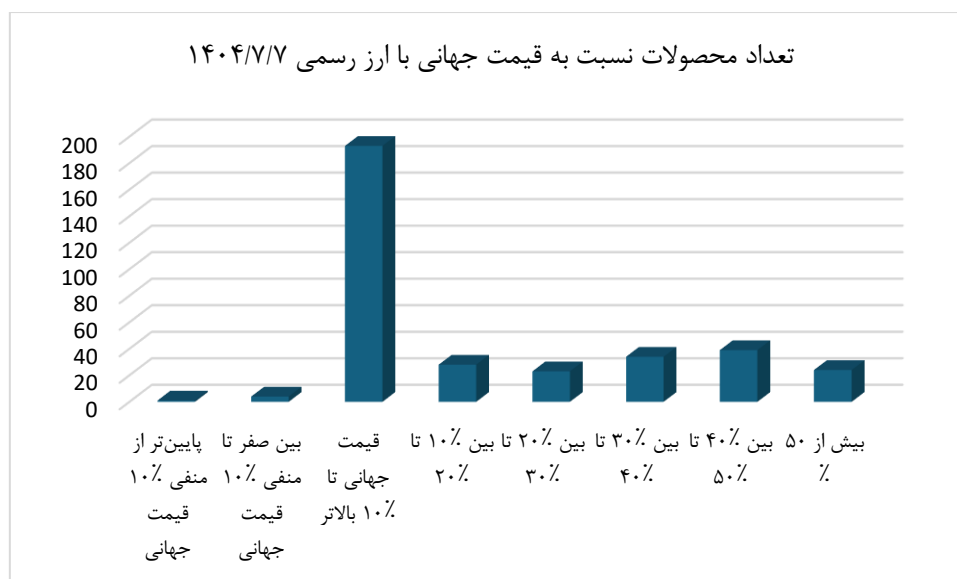
توزیع فراوانی معاملات در هفته دی ماه حاکی از آن است که حدود ۷۹ درصد کل معاملات (۱۶۳ معامله بین ۰ تا ۱۰ درصد پایین تر و ۲۶ معامله بین ۰ تا ۱۰ درصد بالاتر) در محدوده منطقی اطراف قیمت جهانی قرار داشته اند. همچنین وضعیت رقابت در این هفته به شدت فروکش کرده است؛ میانگین رقابت کل بازار ۵.۵۹ درصد و میانه رقابت برابر با صفر درصد ثبت شده است. این بدان معناست که در بیش از نیمی از معاملات، کالاها دقیقاً بر مبنای قیمت پایه بدون هیچ گونه رقابتی خریداری شده اند. بیش از سه چهارم معاملات (۲۵۵ معامله) در بازه رقابتی بسیار ناچیز (۰ تا ۱۰ درصد) قرار گرفته اند و تنها ۷ معامله رقابت بالای ۵۰ درصد را تجربه کرده اند. ضریب همبستگی میان نسبت تقاضا به عرضه و میزان رقابت در این هفته ۰.۴۹۶ بوده که نشان دهنده رابطه مثبت و متعارف میان ناترازی فیزیکی و کشف قیمت است.

۳- تحلیل دوقطبی رفتار بازار پتروشیمی بر مبنای فرضیه آربیتراژ ارزی

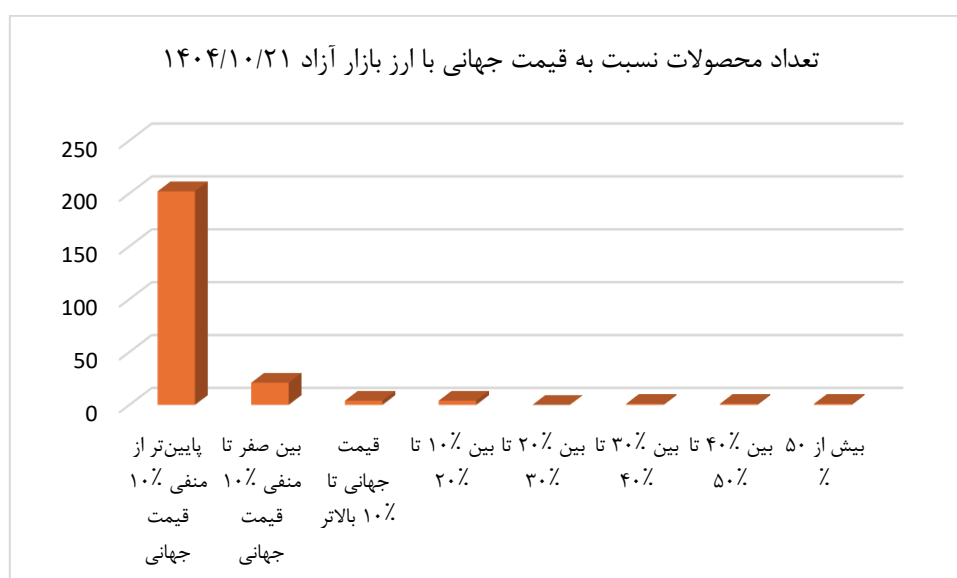
مقایسه آماری این دو مقطع زمانی، فرضیه جدید و بسیار قدرتمندی را در تبیین ریشه ای بحران های بورس کالا مطرح می سازد. برای آزمون این فرضیه، محاسبات قیمت جهانی محصولات یک بار دیگر بر مبنای نرخ

ارز بازار آزاد در هر دو مقطع بازسازی شد تا ارزش واقعی اقتصادی کالاها سنجیده شود. نتایج حاصل از این بازنگری محاسباتی، ماهیت واقعی رقابت‌های بورس کالا را آشکار می‌کند. در زمانی که اختلاف نرخ ارز رسمی با بازار آزاد (غیر رسمی افزایش می‌یابد) چون قیمت پایه بر اساس نرخ ارز رسمی تعیین می‌شود و بخش عمده کالاها امکان مبادله پذیری دارند، معامله گران و تقاضا کنندگان نرخ اعلامی خود در بورس را بر اساس نرخ بازار آزاد تعدیل می‌کنند در نتیجه در چنین برهه‌هایی به شدن میزان رقابت افزایش پیدا می‌کند اما در واقع این رقابت ناشی از افزایش اختلاف میان نرخ ارز رسمی و غیر رسمی بوده است. اگر این حالت را با حالتی که قیمت ارز بازار رسمی و بازار آزاد بهم نزدیک هستند مقایسه کنیم شواهد نشان می‌دهد به طور تقریبی قیمت نهایی حاصل از رقابت با مجاسبه نرخ بازار آزاد در هر دو حالت یکی بوده و علت افزایش رقابت در چنین شرایطی اختلاف قابل توجه در نرخ ارز رسمی و غیررسمی است.

هنگامی که قیمت‌های نهایی بورس کالا در هفته پراشتهاب مهرماه ۱۴۰۴ با قیمت‌های جهانی تبدیل شده بر اساس دلار آزاد مقایسه می‌شود، میانگین اختلاف قیمت به منفی ۲۳.۹۴۵ درصد و میانه آن به منفی ۲۸.۶۵۷ درصد قیمت جهانی تغییر می‌یابد (با انحراف معیار ۱۶.۰۴۳). توزیع کالاها در این حالت نشان می‌دهد که ۱۷۸ محصول در محدوده کمتر از ۱۰- درصد قیمت جهانی قرار می‌گیرند و ۱۹ محصول بین ۱۰- تا ۰ درصد هستند. این بدان معناست که در اوج بحران مهرماه، شرکت‌های بالادستی عملاً محصولات خود را به طور متوسط ۲۴ درصد ارزان‌تر از قیمت‌های واقعی بین‌المللی به بورس عرضه می‌کرده‌اند. اما به دلیل وجود شکاف ۶۰ درصدی میان نرخ ارز رسمی بورس و نرخ ارز آزاد، انگیزه اقتصادی کلانی برای تصاحب این کالاها شکل گرفته بود. خریداران بورس کالا عملاً نه برای مصرف فیزیکی محصول، بلکه برای کسب سود حاصل از مابه‌التفاوت نرخ ارز (آربیتراژ ارزی) وارد فرآیند رقابت می‌شدند. این تقاضای کاذب ارزی، قیمت ریالی محصول را از طریق مکانیزم بورس کالا آن‌قدر بالا می‌برد تا سقف رقابت‌ها در مواردی نظیر تری‌اتانول‌آمین شازند به ۱۴۵ درصد برسد که حتی با احتساب دلار آزاد نیز ۵۴ درصد بالاتر از قیمت جهانی قرار می‌گیرد.



در طرف مقابل، هنگامی که داده‌های هفته منتهی به ۲۱ دی ماه ۱۴۰۴ با نرخ ارز آزاد بازسازی می‌شوند، میانگین اختلاف قیمت با جهان منفی ۱۸۰۶ درصد، میانه اختلاف منفی ۲۱۸۲۷ درصد و انحراف معیار ۱۱۴۸ به دست می‌آید. در این مقطع، ۲۰۲ معامله در محدوده کمتر از ۱۰- درصد قیمت جهانی و ۲۱ معامله بین ۱۰- تا ۰ درصد قرار می‌گیرند. مقایسه این دو وضعیت نشان می‌دهد که با کاهش شکاف ارزی از ۶۰ درصد در مهرماه به ۲۱ درصد در دی ماه، پدیده رقابت‌های نجومی به طور کامل فروکش کرده است. این شواهد آماری به روشنی اثبات می‌کند که بخش عمده‌ای از تلاطم‌ها و اتهامات مربوط به گران‌فروشی نظام‌مند بالادستی، ناشی از یک پدیده ثانویه یعنی سیگنال‌های ناشی از نظام چندنرخ‌ای ارز بوده است. هنگامی که نرخ ارز اعلامی به نرخ واقع‌بینانه بازار آزاد نزدیک می‌شود، تقاضای واسطه‌گری و سفته‌بازانه به شدت کاهش یافته و بازار به تعادل توصیفی و واقعی خود دست می‌یابد.



۴- واکاوی کیفی چالش‌های ساختاری صنایع تکمیلی و مکانیزم‌های بورس کالا

هرچند تحلیل‌های کمی و ارزیابی بر مبنای دلار آزاد نشان می‌دهد که قیمت‌های پایه کالاها از سطوح جهانی بالاتر نبوده‌اند، اما گزارش‌های فرآیندی و مصاحبه‌های تفصیلی با فعالان و مدیران صنایع تکمیلی و پایین‌دستی پتروشیمی، ابعاد دیگری از یک بحران ساختاری را نمایان می‌سازد که بار مالی و اجرایی آن مستقیماً بر دوش واحدهای تولیدی کوچک و متوسط قرار دارد. از دیدگاه فعالان بخش خصوصی، اصرار بر مدل‌های تئوریک اقتصاد آزاد در بستر بورس کالا، در شرایطی که محدودیت‌های شدید وارداتی و عدم امکان تأمین فوری کالا از بازارهای خارجی وجود دارد، عملاً کارایی بازار را مخدوش ساخته است. تولیدکننده تکمیلی در یک بن‌بست ساختاری قرار دارد؛ چرا که مجبور است مواد اولیه داخلی را به دلیل رقابت‌های ناشی از عطش ارزی با

قیمت‌های گزاف خریداری کند، اما به دلیل قوانین تعزیراتی و کشش پایین بازار مصرف، توانایی انتقال این هزینه‌ها را به محصول نهایی ندارد و این امر به کاهش شدید ظرفیت تولید یا تعطیلی واحدها منجر شده است.

یکی از جدی‌ترین چالش‌های مطرح‌شده در مستندات فرآیندی، پدیده «تله نقدینگی و نابرابری در ابزارهای اعتباری» است. در حالی که پتروشیمی‌های بالادستی نهادهای اصلی تولید خود (نظیر گاز طبیعی یا خوراک مایع) را با مهلت‌های پرداخت طولانی مدت و گاهی تا یک سال تسویه می‌کنند، صنایع تکمیلی در بورس کالا ملزم به تسویه ۱۰۰ درصد نقدی وجه کالا پیش از تحویل هستند. با افزایش قیمت مواد اولیه، سرمایه در گردش مورد نیاز صنایع تکمیلی به شدت افزایش یافته و ترجیح بورس کالا به عدم ترویج اعتبارسنجی و ال‌سی‌های بلندمدت، دسترسی واحدهای کوچک به مواد اولیه را قطع کرده است. افزون بر این، منتقدان به مکانیزم توزیع سهمیه‌ها در سامانه بهین‌یاب و قواعد بورس کالا معترض هستند. محدودیت‌های حجمی تحمیلی که بدون توجه به ظرفیت واقعی کارخانه‌ها تعیین می‌شوند و تغییر ناگهانی این سهمیه‌ها فراتر از محدودیت بهین‌یابی توسط بورس کالا در روز نهایی قبل از باز شدن تالار معاملات، هرگونه برنامه‌ریزی استراتژیک و زمان‌بندی تولید را برای صنایع پایین‌دستی غیرممکن ساخته است.

در نهایت، موضوع «تعارض منافع ساختاری در نهادهای تنظیم‌گر» به عنوان یک چالش نهادی شناسایی شده است. درآمد کارمزدی بورس کالا مستقیماً نسبتی از ارزش کل معاملات ریالی است؛ بنابراین هرچه رقابت‌ها شدیدتر و قیمت‌های نهایی بالاتر بروند، درآمد حاصل از کارمزد این نهاد افزایش می‌یابد. این مدل انگیزشی به همراه ترکیب سهام‌داری بورس کالا که بخش عمده آن در اختیار شرکت‌های بالادستی و عرضه‌کنندگان بزرگ است، این شائبه کارشناسی را تقویت کرده که نهاد نظارتی تمایل ساختاری کافی برای کنترل سقف رقابت‌ها یا الزام به رعایت دقیق کف عرضه در دوره‌های التهاب بازار ندارد. پدیده‌هایی نظیر تمایل به کاهش عرضه عرضه داخلی در فصول پیک تقاضا و هدایت محصولات به بازارهای صادراتی یا فروش‌های خارج از بورس، رفتارهایی هستند که فعالان تکمیلی آن‌ها را مصداق مهندسی بازار برای تضمین سودآوری غیرعملیاتی شرکت‌های خصولتی می‌دانند.

۵- مطالعه موردی زنجیره تأمین محصولات انحصاری و شبه‌انحصاری: زایلین مخلوط و اتانول آمین‌ها

برای راستی‌آزمایی ادعاهای مرتبط با مدیریت عرضه و انحصار فیزیکی، دو نمونه شاخص در بازار سال ۱۴۰۴ قابل کالبدشکافی است که الگوهای متفاوتی از رفتار بازار را نشان می‌دهند؛ مورد اول مربوط به پتروشیمی شازند در بازار اتانول آمین‌ها و مورد دوم مربوط به عملکرد عرضه زایلین مخلوط است. در تحلیل کمی هفته مهرماه مشخص شد که تری‌اتانول آمین و دی‌اتانول آمین پتروشیمی شازند حتی با مبنا قرار دادن دلار آزاد، به

ترتیب ۵۴ و ۴۵ درصد بالاتر از قیمت‌های جهانی معامله شده‌اند. از آنجا که مجتمع پتروشیمی سازند انحصار مطلق تولید این محصولات را در کشور و منطقه در اختیار دارد، این انحراف شدید قیمتی را نمی‌توان صرفاً به رانت ارزی تقلیل داد؛ بلکه این پدیده نشان‌دهنده یک ناترازی فیزیکی حاد ناشی از کاهش حجم عرضه بورس یا بروز مشکلات فنی در خطوط تولید است که به دلیل نبود امکان واردات موازی، صنایع شوینده و پالایشی را دچار شوک شدید قیمتی کرده است.

نمونه دوم که ابعاد فرآیندی آن به طور کامل در صورت‌های مالی قابل ردیابی است، محصول زایلین مخلوط است که عرضه داخلی آن در انحصار دو مجتمع پتروشیمی بندر امام و پتروشیمی اصفهان قرار دارد. برآوردها نشان می‌دهد مجموع ظرفیت تولید این محصول در کشور حدود ۱۳۵ هزار تن در سال است. از طرفی، مجموع تقاضای ثبت‌شده واقعی صنایع پایین‌دستی در بورس کالا برای این محصول در طول سال ۱۴۰۴ حدود ۶۲,۴۰۰ تن بوده است. این تفاوت آماری نشان می‌دهد که در سطح کلان، کشور با کمبود ذاتی تولید زایلین مواجه نیست و تولید بیش از دو برابر نیاز واقعی صنایع داخلی است. با این حال، نگاهی به زنجیره توزیع و روش‌های فروش این دو شرکت، علت شکل‌گیری رقابت‌های بالای ۱۵۰ درصد در بورس کالا را به وضوح روشن می‌سازد:

پتروشیمی اصفهان (عملکرد سال ۱۴۰۴): از مجموع ۵۵,۸۲۰ تن زایلین مخلوط عرضه‌شده، تنها ۱۸,۵۵۰ تن (حدود ۳۳ درصد) از طریق بورس کالا به تولیدکنندگان داخلی فروخته شده است. در مقابل، ۱۱,۸۲۹ تن صادر شده و حجم عظیمی معادل ۲۵,۳۴۱ تن خارج از بورس کالا به فروش رسیده است.

پتروشیمی بندر امام (عملکرد ۶ ماهه اول ۱۴۰۴): از مجموع ۲۱,۷۱۵ تن محصول، تنها ۹,۶۰۰ تن در بورس کالا عرضه شده، ۸,۰۴۵ تن صادر گردیده و ۴,۰۷۰ تن در مسیرهای خارج از بورس به فروش رسیده است. (کل عرضه بورس این شرکت در طول سال طبق آمار معاملات بورس حدود ۲۲,۸۲۰ تن بوده است).

این داده‌های رسمی تایید می‌کنند که مجموع عرضه زایلین مخلوط در بورس کالا توسط این دو شرکت در کل سال حدود ۴۱,۳۷۰ تن بوده که تنها ۳۰ درصد از کل تولید کشور را شامل می‌شود. وقتی عرضه در بورس کالا به ۴۱ هزار تن محدود می‌شود، در حالی که تقاضای واقعی کارخانه‌ها ۶۲,۴۰۰ تن است، ناترازی مصنوعی در تالار معاملات شکل می‌گیرد و خریداران برای حفظ بقای کارگاه‌های خود ناچار به رقابت‌های مخرب می‌شوند. این رفتار تجاری پتروشیمی‌ها، با وجود داشتن ظرفیت مازاد، مصداق عینی گزاره‌های مطرح‌شده در مصاحبه‌های کیفی مبنی بر جذابیت اقتصادی صادرات یا مهندسی عرضه فیزیکی برای حفظ سقف قیمت‌ها در بازار داخلی است.

۶- جمع‌بندی و دلالت‌های تنظیم‌گری در راستای پایداری زنجیره تولید

تحلیل جامع یافته‌های کمی و کیفی این گزارش کار نشان می‌دهد که مسئله قیمت‌گذاری و عرضه پتروشیمی در بورس کالا، پدیده‌ای تک‌عاملی نیست و قضاوت‌های یک‌سویه کارهای کارشناسی گذشته را به چالش می‌کشد. بازارهای پتروشیمی در ایران از یک «دوقطبی ساختاری و رفتاری» رنج می‌برند؛ در دوره‌های ثبات اقتصادی و کاهش شکاف ارزی (نظیر دی‌ماه)، مکانیزم بورس کالا از کارایی نسبی برخوردار است، قیمت‌های پایه هم‌گام با رفتارهای بین‌المللی حرکت می‌کنند و نیمی از بازار بدون رقابت منفی به تعادل می‌رسد. اما این ساختار به شدت در برابر شوک‌های بیرونی شکننده است. هنگامی که نوسانات ارزی رخ می‌دهد و شکاف میان ارز رسمی و آزاد دهان باز می‌کند، کالاها به دلیل ارزش ذاتی ارزی خود هدف جذابی برای آربیتراژ می‌شوند و هجوم تقاضای سفته‌بازانه، مکانیزم کشف قیمت بورس را به ابزاری برای رانت‌جویی بدل می‌سازد.

از طرفی، داده‌های تجربی مربوط به زایلین مخلوط و اتانول آمین‌ها ثابت می‌کند که در کنار آسیب‌های سیاست‌های ارزی، پدیده انحصار فیزیکی و عدم پایبندی به الزامات تنظیم بازار نیز به طور موازی فعال است. محدود کردن حجم عرضه در بورس کالا به سطوحی بسیار کمتر از نیاز صنایع تکمیلی و هدایت کالاها به مسیرهای خارج از بورس یا صادرات بدون رفع نیاز داخلی، زمینه‌ساز سوءاستفاده از ساختار بازار انحصاری شده است. این امر ضرورت بازنگری در ساختارهای نظارتی و مقرراتی بورس کالا و کارگروه تنظیم بازار پتروشیمی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

بر این اساس، گزارش کار حاضر به عنوان گام نهایی پیشنهاد می‌کند که سیاست‌گذار اقتصادی باید تفکیک دقیقی میان راهکارهای ارزی و مقرراتی قائل شود. در بازارهای عمومی که کمبود فیزیکی کالا وجود ندارد، کلید حل تنش‌ها در تک‌نرخ کردن ارز و حذف رانت‌های ناشی از چندنرخ بودن فرمول‌های قیمت‌پایه نهفته است. اما در بازارهای شبه‌انحصاری و انحصاری (نظیر زایلین و اتانول آمین‌ها)، کنترل بازار نیازمند اعمال نظارت‌های سخت‌گیرانه حقوقی بر اجرای دقیق کف عرضه‌ها، شفافیت کامل در مسیرهای فروش خارج از بورس و پایش مستمر اطلاعات گمرکی صادرات است تا ثبات و پایداری به زنجیره تولید ملی بازگردد و در بلند مدت پیشنهاد می‌شود در محصولاتی که انحصار یا کمبود عرضه نسبت به تقاضا وجود دارد از طرف سیاستگذار مشوق‌هایی برای ایجاد واحد پتروشیمی جدید برای کاهش شکاف تقاضا و شکستن انحصار صورت بگیرد.